

ترجمه در دوره قاجار (از ۱۲۱۰ ق. تا پایان دوره مظفری)

هوشنگ خسروبیگی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

محمد خالد فیضی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور

(از ص ۱۲۵ تا ۱۴۶)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۲

چکیده

بخشی از پیشینه ادبی و تاریخی ایران، در آثاری به جای مانده که حاصل ترجمه و یا اقتباس از متون مکتوب به زبان‌های دیگر است. این ترجمه‌ها را «میرزا»های مسلط به زبان و ادبیات فارسی انجام می‌دادند. سبک نگارش این آثار همان سبک نگارش دوره زمانی ترجمه است. دوره قاجاریه از مهم‌ترین دوره‌های ترجمه در تاریخ ایران از زبان فرانسوی و انگلیسی است.

هدف این مقاله، بررسی و ارزیابی نقش و جایگاه ترجمه از زبان انگلیسی به زبان فارسی، در مقایسه با زبان فرانسوی، در بخشی از دوره قاجار است. در این پژوهش، ضمن بررسی تاریخ ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی، با اتکا به تعداد آثار ترجمه‌شده و تعداد مترجمان دارالترجمه ناصری، پیشی گرفتن زبان فرانسه از زبان انگلیسی نشان داده، و زمینه‌ها و عوامل این امر شناسایی و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ ترجمه، زبان انگلیسی، زبان فارسی، زبان فرانسوی، قاجاریه، ناصرالدین شاه.

مقدمه

ترجمه متون انگلیسی به زبان فارسی (از آغاز قاجاریه تا قبل از مشروطه)، یکی از موضوع‌هایی است که ارزش و تأثیر فرهنگی آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در حقیقت آغاز راه فرهنگی ایران در موضوع ترجمه، در همان دوره قاجاریه شکل گرفته است و مترجمان امروز، ادامه‌دهنده همان حرکت فرهنگی هستند؛ بنابراین، بازشناختن مسیر پیموده‌شده در ترجمه متون انگلیسی به فارسی، چراغ روشنی در ادامه این مسیر خواهد بود.

در پژوهش حاضر، بنا بر آن نیست که تمام ترجمه‌های انگلیسی به فارسی، نقد و بررسی شود، بلکه در کنار اشاره به این ترجمه‌ها، سیر تاریخی ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه ترجمه - به‌خصوص ترجمه از زبان انگلیسی و مقایسه ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی از نظر کمی - از مهم‌ترین موضوعات این پژوهش است.

از آنجاکه زبان‌های انگلیسی و فرانسه، در ترجمه متون متعلق به دوره قاجار (به عنوان زبان مبدأ) نقش اصلی را ایفا کرده‌اند و در این بین زبان فرانسه توفیق بیشتری داشته است، جستجوی جایگاه این دو زبان - به‌ویژه زبان انگلیسی - تا قبل از مشروطه، محقق را در رسیدن به اهداف مورد نظر یاری خواهد داد. در همین زمینه، فرضیه‌هایی، خط سیر این پژوهش خواهند بود؛ اینکه تأسیس دارالفنون و دارالترجمه ناصری، مهم‌ترین عوامل رونق ترجمه در مرحله نخست و منزوی شدن زبان انگلیسی در مرحله بعد بوده، یا نگاه نه‌چندان مساعد جامعه ایرانی به انگلیسی‌ها مزید بر علت شده و این زبان را به حاشیه رانده است.

قبل از آغاز این پژوهش، تحقیقاتی درمورد پیشینه موضوع و حتی عنوان‌های مشابه با آن انجام شد که نتیجه آن از قلم بررسی‌ها حکایت داشت. از مهم‌ترین پژوهش‌های موجود در این زمینه، دو مقاله از جمشید کیانفر^(۱) و محمدرضا فشاهی^(۲) است که به موضوع ترجمه در دوره قاجار پرداخته‌اند. داوود نوایی نیز در کتابی با عنوان *تاریخچه ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون*، تاریخچه ترجمه‌های فرانسه به فارسی را بررسی کرده است. در میان پایان‌نامه‌ها نیز، می‌توان به ترجمه فرانسه‌ای از فهیمه

علی بیگی با موضوع «نهضت ترجمه در دوره قاجار» در دانشگاه آزاد تهران، واحد مرکز، اشاره کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ هم انجمن ایرانی تاریخ، سمیناری با عنوان «نخستین سمینار تاریخ و ترجمه» در تهران برگزار کرد و در آن برخی پژوهشگران، دستاوردهای خود را مطرح کردند. عمده این مقاله‌ها معطوف به تاریخ ترجمه در ایران است، و در حیطه موضوع این گزارش، اثر مستقلی ارائه نشد. به همین لحاظ، ضرورت توجه به بررسی اختصاصی تاریخ ترجمه‌های انگلیسی به فارسی وجود دارد. امید است این تحقیق بتواند ادامه‌ای بر کارهای اندک قبلی و آغازی درمورد تاریخ ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی باشد.

شکل‌گیری و حرکت نهضت ترجمه در دوره قاجار

دوره آغازین شکل‌گیری سلسله قاجار با جنگ‌های داخلی جهت تثبیت قدرت آقامحمدخان سپری شد. در دوره حکمرانی فتحعلی‌شاه، اوضاع جدید باعث آغاز تعاملات ایران با دیگر کشورها و شکل‌گیری حرکتی فرهنگی و آغاز نهضت ترجمه شد. سه عامل زیر را می‌توان از مهم‌ترین موجبات بیداری ایرانیان برشمرد:

۱. انقلاب‌های دمکراسی خواهانه در غرب مانند انقلاب فرانسه؛
۲. شکست ایران از روسیه بر اثر مطامع استعماری برخی دولت‌های اروپایی و بی‌کفایتی دربار قاجار؛
۳. تفکرات ترقی خواهانه عباس میرزا، نایب‌السلطنه، و دیگر روشن‌فکران و اندیشه‌ورزان.

جامعه اروپا در قرن نوزدهم میلادی در گذار از سنت به مدرنیته، با تغییرات و انقلاب‌هایی همراه بود. در میان تمام این انقلاب‌ها، انقلاب سال ۱۸۴۸ م. پاریس اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه موجب بیداری اروپاییان شد و برخی تأثیرها را بر مشرق‌زمین و ایران دوره قاجاریه نهاد (فشاهی، ۱۳۵۲: ۱). اما این سوغات غرب برای ایران بدون هزینه نبود و با حمله نظامی روس‌ها همراه شد. جمود فکری و فقر فرهنگی این دوره، گاهی این ذهنیت را به وجود می‌آورد که فقط این جنگ‌ها می‌توانست فضای بسته ایران را بشکند و مسیر جدیدی فراروی ایرانیان قرار دهد. از خوش‌اقبالی ایرانیان بود که در

چنین دوره‌ای، عباس میرزای ولیعهد می‌زیست؛ کسی که هر چقدر از نالایقی و ناکارآمدی فتحعلی‌شاه گفته شود، به همان نسبت از کارآمدی و شایستگی او باید گفت. عباس میرزا پس از شکست در مقابل روس، در جهت ترقی سپاه ایران و به‌روز کردن آن، اداره ترجمه‌ای در تبریز دایر کرد تا نظام‌نامه و مقررات مهندسی و نظامی را ترجمه و تدوین کند (آبراهیمان، ۱۳۸۷: ۶۸). در نتیجه، دربار عباس میرزا از مترجمان زبان‌های انگلیسی، فرانسه، هندی، لاتین، روسی، آلمانی برخوردار بوده است (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۴۱).

از طرف دیگر، عباس میرزا به خوبی می‌دانست تازمانی که مردم پی به عقب‌ماندگی خویش نبرند و تلنگری فرهنگی بر آنها وارد نیاید، کارهایش بی‌نتیجه خواهد ماند؛ به همین علت، سه اقدام مهم انجام داد:

۱. اعزام دانشجو به اروپا؛

۲. آغاز چاپ کتاب در ایران؛

۳. ارزش‌گزاردن به ترجمه و تألیف.

آغاز سیر ترجمه و فعالیت‌های فرهنگی را عباس میرزا با اعزام دانشجو به اروپا و کشور انگلستان شروع کرد^(۳). وی از اعزام نخستین کاروان دانشجویان، به اهداف خود نرسید، اما این اقدامش آغازی برای اعزام‌های بعدی شد. در سال ۱۸۱۵م/۱۲۳۰ق. عباس میرزا پنج نفر دیگر از جوانان ایرانی را از آذربایجان روانه انگلستان کرد که یکی از آنها، میرزا صالح، را فقط برای یادگیری زبان انگلیسی به آن دیار فرستاد (مینوی، ۱۳۳۲: ۱۸۵). یکی دیگر از این دانشجویان، میرزا رضا صوبه‌دار یا مهندس‌باشی نام داشت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۱۸۴-۱۸۵). وی بعد از بازگشت به ایران از پرکارترین و تواناترین مترجمان انگلیسی به فارسی بود که آثاری درخور از او به جای مانده است^(۴).

میرزا صالح علاوه بر یادگیری رشته خود، فن چاپ را در لندن فرا گرفت و نخستین مطبوعه را برای چاپ کتب فارسی در سرزمین ایران دایر کرد (مینوی، ۱۳۳۲: ۳۱۴) تا قدمی اساسی در چاپ و نشر کتاب برداشته شود.

برای آنکه بدانیم نخستین ترجمه در دوره قاجار دقیقاً کدام اثر بوده و چه وقت اتفاق افتاده است، باید کمی به قبل‌تر از زمان ترجمه کتاب در ایران برگردیم؛ یعنی زمانی که

ایران برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، هم برای نامه‌نگاری و هم برای ملاقات‌های حضوری، با کمبود مترجم و اشخاص دوزبانه در دربار دست به گریبان بود. به همین سبب، در آغاز، نه به مترجمانی برای برگرداندن کتاب، که به مترجمانی شفاهی یا مترجمانی برای ترجمه نامه‌ها نیاز بود که به دوره فتحعلی شاه و نامه‌نگاری‌اش با ناپلئون برمی‌گردد (نوابی، ۱۳۶۳: ۲۹).

در مورد ترجمه کتاب، از نظر زمانی، نخستین کتاب ترجمه‌شده در دوره قاجار «حوادثنامه»^(۵) نام داشت که محمدرضی تبریزی در سال ۱۲۲۲ ق. از ترکی عثمانی به فارسی ترجمه و به عباس میرزا اهدا کرد (کیان‌فر، ۱۳۶۸: ۲۳).

همچنین حضور مأموران خارجی در ایران، زمینه توسعه ترجمه از زبان‌های اروپایی را مهیا کرد. عباس میرزا از قبل برای آموزش سپاه خود عده‌ای خارجی استخدام کرده بود؛ خارجیانی که به دلیل اقامت در ایران، فارسی را فرا گرفته و بهترین فرصت را برای ترجمه از زبان‌های اروپایی به فارسی، فراهم کرده بودند. علاقه عباس میرزا به اسکندر مقدونی باعث شد تا به یکی از آنان، جیمز کمل^(۶)، دستور دهد کتاب *تاریخ اسکندر* را از انگلیسی به فارسی ترجمه کند (کیان‌فر، ۱۳۶۸: ۱). جیمز کمل که مدتی در عثمانی زندگی کرده و در همان‌جا با زبان فارسی آشنا شده بود، با آمدن به ایران، *تاریخ اسکندر* را در سال ۱۲۲۸ ق. ترجمه کرد و نخستین ترجمه در دوره قاجار از انگلیسی به فارسی را به اسم خود ثبت کرد (کیان‌فر، ۱۳۶۸: ۱). در مقدمه آن هم این‌گونه نوشت که این کتاب را به دستور عباس میرزا از کتب مختلف ترجمه و گردآوری کرده است^(۷).

در ادامه، با اعزام دانشجو به انگلیس و بازگشت آنها به ایران در سال ۱۲۳۵ ق. (مینوی، ۱۳۳۲: ۱۸۲)، نخستین مترجمان ایرانی ظهور کرده و تعداد بیشتری از کتاب‌های انگلیسی به فارسی ترجمه شد؛ کتاب‌هایی مانند *تاریخ تنزل و خرابی دولت روم* در سال ۱۲۴۷ ق. ترجمه شد و یا کتاب‌های پترکبیر و *شارل دوازدهم* را میرزا رضای مهندس‌باشی ترجمه کرد و چند سال بعد با کتاب *اسکندر*^(۸)، هر سه در یک جلد به سال ۱۲۶۳ ق. به چاپ سنگی رسید.

عباس میرزا، علل شکست ایران را از روسیه در خارج از میدان جنگ و در ذهن جنگجویان جستجو می‌کرد. جهل سربازان و سنتی بودن تجهیزات، مهم‌ترین علل

شکست، و برای برطرف کردن آن، توجه به علوم روز، مهم‌ترین شرط بود. در نتیجه، نیاز سپاه آذربایجان به کتاب‌های فنی و نظامی بهترین علت برای ترجمه و تألیف کتاب‌هایی از این دست بود.

به دستور عباس میرزا، نخستین کتاب‌های نظامی این دوره - یعنی کتاب‌های نظامی گبیرت^(۹) و آیین‌های مانور پیاپی‌نظام (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۷۹) - از انگلیسی به فارسی ترجمه شد. همچنین برای ترقی ذهن و اندیشه مردم، کتاب‌هایی مانند مختصری از قواعد کاپرنیکس و شرح نیوتون (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۰۸) - که نخستین کتاب‌های علمی این دوره بودند - از انگلیسی به فارسی ترجمه شد. به مرور، کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و سفرنامه‌ها نیز اضافه شد تا زمامداران وقت از اوضاع دنیا آگاهی یابند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۲۲۵). در کنار ترجمه‌هایی که از کتاب‌های اروپایی می‌شد، تألیفات هم از ایرانیان سر زد تا شروع دل‌گرم‌کننده‌ای در بخش ترجمه و تألیف کتاب اتفاق بیفتد.

با ادامه روند ترجمه، کتاب‌های دیگری مانند تاریخ ناپلئون اول، تاریخ چین، تاریخ قیصر روم، صواعق‌النظام (تألیف و ترجمه) از انگلیسی به فارسی ترجمه شدند. این حرکت با تشویق عباس میرزا و پس از او قائم‌مقام فراهانی استمرار یافت، ولی بعد از مرگ عباس میرزا و آغاز سلطنت محمد شاه و قتل قائم‌مقام، این امر به فراموشی سپرده شد تا اینکه در دوره ناصرالدین شاه دوباره احیا شد و تا به امروز ادامه داشته است (فشاهی، ۱۳۵۲: ۲۲). اوج کارهای ترجمه و انتشار کتاب، مربوط به دوره ناصرالدین شاه است که حجم زیادی از کتاب‌ها، ترجمه و تألیف و البته چاپ شدند. عوامل زیادی در این زایش فرهنگی دخیل بود که موارد زیر را می‌توان از مهم‌ترین آنها برشمرد:

۱. علاقه ناصرالدین شاه به کسب اخبار کشورهای اروپایی؛
 ۲. اقدامات فرهنگی امیرکبیر و ایجاد دارالفنون؛
 ۳. مسافرت‌های شاه و تعامل با غرب؛
 ۴. ایجاد وزارت انطباعات و دارالترجمه ناصری؛
 ۵. توسعه تشکیلات اداری و نیاز برخی از وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی به مترجم.
- ناصرالدین شاه به شنیدن مطالب و مقالات روزنامه‌های فرانسوی علاقه داشت و این

کار به عنوان بخشی از برنامه روزانه‌اش در ساعت یازده‌ونیم ظهر نهادینه شده بود (فووریه، ۱۳۲۵: ۱۱۴). همین امر باعث دانش‌افزایی او شده بود، به طوری که هنگام ملاقات با همسر دیولافوا، جهانگرد فرانسوی، اولاً به مترجم نیاز نداشت و ثانیاً از جزئیات نبرد ۱۸۷۰ م. فرانسه و حتی نام فرمانده فرانسوی آن نبرد اطلاع داشت، که باعث تعجب این جهانگردان شد (دیولافوا، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

از دیگر عوامل تأثیرگذار در روند ترجمه دوره ناصری، اقدامات امیرکبیر و تأسیس دارالفنون بود. امیرکبیر تصمیم داشت هر آنچه باعث ترقی ملت و دولت می‌شود، فراهم کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۱۳). به همین دلیل در عرصه داخلی، اقدامات زیر را سرلوحه کارهایش قرار داد:

۱. تأسیس دارالفنون؛

۲. انتشار روزنامه؛

۳. اهتمام به ترجمه و نشر کتاب.

بعد از افتتاح دارالفنون، در فهرست معلمان، از «مستر طیبر» به عنوان معلم انگلیسی یاد می‌شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۹۷/۲)، اما در ۱۳۰۸ ق. دکتر «بازیل» به عنوان معلم طب و زبان انگلیسی جایگزین او شد. در سالنامه سال ۱۳۱۱ ق. نیز از دکتر بازیل بدون اشاره به حرفه طبابتش، فقط با عنوان معلم انگلیسی نام برده شده است. در سالنامه سال ۱۳۱۲ ق. نام او نیز حذف شده و ظاهراً دیگر از معلم انگلیسی در دارالفنون خبری نیست^(۱۰).

در دوره‌ای که دارالفنون کار خود را آغاز کرده بود، زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی، زبان دارالفنون شناخته شده بود. با وجود این، زبان انگلیسی کاملاً از برنامه آموزشی دارالفنون حذف نشده و کلاس‌های زبان انگلیسی همواره در آن دایر بود (کرزن، ۱۳۴۹: ۶۳۹). علاوه بر زبان انگلیسی، زبان‌های فرانسه و عربی و روسی هم تدریس می‌شد (فووریه، ۱۳۲۵: ۱۲۹). کرزن هنگام بازدیدش از مدرسه دارالفنون، به هشت معلم خارجی در آنجا اشاره می‌کند که یکی از آنها معلم انگلیسی بوده است (کرزن، ۱۳۴۹: ۶۳۸). به استناد سالنامه‌های دولت ناصرالدین شاه، در دارالفنون، بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۲ ق.

(به جز سال ۱۳۱۲ ق.)، معلّم انگلیسی حضور داشته است (قاسمی، ۱۳۸۵: سالنامه‌های اعتمادالسلطنه، صفحات مختلف^(۱۱)).

از دیگر اقدامات فرهنگی امیرکبیر، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه به سرپرستی ادوارد برجیس انگلیسی بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۱۹)، اما امیرکبیر برای آنکه منابع بیشتری از کتاب‌های غربی ترجمه شود، در دستگاه دولت، هیئتی از مترجمان مختلف گرد هم آورد و برای به کار گرفتن این مترجمان، به دنبال انتقال کتاب‌های مختلف - به خصوص از فرانسه به ایران - بود؛ حتی به جان داوود دستور داد که کتاب‌های خوبی در زمینه مهندسی و تاریخ از فرانسه به دست بیاورد. در سال ۱۲۶۵ ق. تعداد ۲۹۳ جلد کتاب و ۳۲۳ قطعه نقشه جغرافیایی جهان یکجا از فرانسه به ایران منتقل شد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۷۹). بدین ترتیب امیرکبیر در طول سه سال، با نبوغ خویش دوران تازه‌ای در تاریخ ایران به بار آورد (واتسن، ۱۳۴۰: ۳۷۶).

از طرف دیگر، ناصرالدین شاه پس از سفرهای خارجی، وزارت‌خانه‌هایی به وجود آورد که «وزارت علوم و تلگراف و معدن» یکی از آنها بود و نخستین بار اعتضادالسلطنه و بعد از مرگ او مخبرالسلطنه و بعد از او نیز جعفرقلی خان نیرالملک به منصب وزارت آن گمارده شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۷۱۲). یکی از زیرمجموعه‌های این وزارت‌خانه «اداره انطباعات» بود که مسؤولیتش را در سال ۱۳۰۰ ق. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بر عهده داشت. او دایره انطباعات را وسعت داد و دارالتّرجمه و دارالتّألیف دولتی تأسیس کرد و جمعی از دانشمندان و آشنایان به زبان‌های خارجی را به کار ترجمه و تألیف گماشت؛ در نتیجه، کتاب‌هایی در فنون مختلف طبع و نشر گردید (دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۴). مدیریت واحد دارالتّرجمه ناصری، مدّتی بر عهده میرزا محمدحسین ادیب ملقب به فروغی بود. او علاوه بر مدیریت، مترجم زبان فرانسه و عربی نیز بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۱۰/۱). در دارالتّرجمه، مترجمان مختلفی به کار ترجمه اشتغال داشتند. گذشته از مترجمانی که توانایی ترجمه از یک زبان را داشتند، خیلی از مترجمان می‌توانستند از دو یا چند زبان به فارسی ترجمه کنند. زبان‌های عربی، فرانسوی، انگلیسی، ترکی عثمانی، روسی، آلمانی، هندی از زبان‌هایی بود که به فارسی ترجمه می‌شد. دارالتّرجمه نقش زیادی در گسترش ترجمه آثار از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی داشت. در دوره

ناصرالدین شاه، بیشترین آثار ترجمه‌شده از زبان فرانسوی بود که به آن پرداخته خواهد شد.

توسعه سازمان اداری و گسترش روابط خارجی در دوره ناصرالدین شاه، از دیگر عوامل رونق ترجمه و مترجمی بود. جدای از مترجمان دارالترجمه و وزارت علوم و تلگراف و معدن، در وزارت عدلیه، وزارت جنگ و قسمت‌های مختلف نظامی، پست‌خانه، دربار، اداره پلیس، گمرک‌خانه‌ها، ضرب‌خانه‌ها، و به‌خصوص در وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های کشورهای اروپایی در تهران و برخی شهرهای بزرگ و سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در دیگر کشورها، تعدادی مترجم به کار ترجمه مکاتبات و ترجمه شفاهی اشتغال داشتند (قاسمی، ۳۸۵: سالنامه‌های اعتمادالسلطنه، صفحات مختلف).

متون ترجمه‌شده از زبان انگلیسی به فارسی در دوره قاجار

زمینه‌ها و عوامل یادشده موجب گسترش ترجمه در دوره قاجار و به‌ویژه در دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار شد. در این میان، بررسی مقایسه‌ای آثار ترجمه‌شده از زبان فرانسه به فارسی، خیلی بیشتر از آثار ترجمه‌شده از زبان انگلیسی به فارسی است (جدول شماره یک پیوست). پیش از ارزیابی زمینه‌ها و علل این امر، ضرورت دارد در حدّ وسع منابع، مهم‌ترین ترجمه‌های انگلیسی و مترجمان آن - اعم از چاپ شده و نسخ خطی - تا پایان دوره مظفری معرفی شود. در این فهرست، آثاری معرفی شده که مستقیم از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است^(۱۲).

۱. تاریخ اسکندر (مشار، ۱۳۵۰: ۱۰۲۷-۱۰۲۸) که جیمز کمل در سال ۱۲۲۸ ق. آن را ترجمه کرد (کیان‌فر، ۱۳۶۸: ۱).

۲. مختصری از قواعد کاپرنیکس (کوپرنیک) با شرح نیوتان (نیوتن): مترجم و زمان ترجمه این اثر و دو اثر زیر مشخص نیست، ولی احتمالاً بین سال‌های ۱۲۳۵-۱۲۴۰ ق. ترجمه شده است.

۳. کتاب‌های نظامی گبیرت (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

۴. آیین‌های مانور پیاده‌نظام (همان).

۵. *تعلیم‌نامه در اعمال آبله* زدن نوشته کرمیک، پزشک عباس میرزا.
۶. *تاریخ تنزل و خرابی روم* تألیف گیبون که میرزا رضای مهندس‌باشی در ۱۲۴۷ ق. در دو جلد ترجمه کرده و البته فقط ترجمه جلد نخست آن موجود است (نسخه خطی شماره ۱۶۶۶/ف، کتابخانه ملی).
۷. *تاریخ پطر کبیر*^(۱۳) (مشار، ۱۳۵۰: ۱۰۲۷-۱۰۲۸).
۸. *شارل دوازدهم* (همان).
۹. *تاریخ روم* (جلد اول) (نسخه خطی شماره ۱۶۶۶/ف، کتابخانه ملی) که احتمالاً ترجمه تاریخ رم گیبون باشد که در زمان عباس میرزا از انگلیسی به فارسی ترجمه شد.
۱۰. *تاریخ چین* (نسخه خطی شماره ۱۶۸۴/ف، کتابخانه ملی) که در زمان عباس میرزا و با موضوع تاریخ چین ترجمه شد.
۱۱. *تاریخ ناپلئون اول* (نسخه خطی شماره ۱۶۱۵/ف، ۱۷۱۴/ف، کتابخانه ملی) که محمدرضا تبریزی (میرزا رضا مهندس‌باشی) در سال ۱۲۵۲ ق. آن را ترجمه کرد^(۱۴). کتاب در چهار جلد مربوط به زندگانی ناپلئون تا تبعید اوست. اصل کتاب به زبان فرانسه است که ابتدا به انگلیسی و سپس به فارسی ترجمه شده است^(۱۵).
۱۲. *صواعق النظام*، ترجمه و تألیف میرزا رضا مهندس‌باشی است که آن را در سال ۱۲۵۴ ق. به محمد شاه تقدیم کرد. موضوع آن علم ترکیب و ترتیب گلوله و عراده و سایر آلات و ادوات جنگ است.
۱۳. *کتاب چین*، درمورد سفر یک هیئت انگلیسی به چین است که در دوره ناصری (سال ۱۲۶۲ ق.) ادوارد برجیس به دستور بهمن میرزا، در تبریز ترجمه‌اش کرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۴: ۸-۱۸).
۱۴. *تشریح البشر و توضیح الصور* که به همراه کتاب *تعلیم‌نامه در اعمال آبله* زدن، در موضوع پزشکی هستند که میرزا محمد بن عبدالصبور به سال ۱۲۷۳ ق. در دوره ناصرالدین شاه آن را ترجمه کرد.
۱۵. *تاریخ ایران* (مالکم، ۱۳۸۰: ۱۴) اثری است از جان مالکم که میرزا اسماعیل حیرت به سال ۱۲۸۷ ق. در بمبئی ترجمه‌اش کرد.

۱۶. سفرنامه *اواپلیس در ایران* (نسخه خطی شماره ۱۵۳۶/ف، شماره ۱۷۷۰/ف، کتابخانه ملی) اثری است در دو جلد از اوپلیس انگلیسی که سید عبدالله آن را ترجمه کرده است. این کتاب حاوی مطالبی راجع به آداب و رسوم ایرانی است^(۱۶).
۱۷. کتاب *گرافیک* که میرزا هارطون به سال ۱۲۸۸ ق. ترجمه کرده و شامل وقایع سال ۱۸۷۱ م. در کشورهای روس و انگلیس و آلمان و عثمانی و ایتالیا است.
۱۸. کتاب *گرافیک* که میرزا هارطون که در سال ۱۲۸۹ ق. ترجمه کرده و شامل وقایع مختلف جهان در سال ۱۸۷۲ م. است.
۱۹. کتاب *گرافیک* (نسخه خطی شماره ۱۸۴۳/۴/ف، کتابخانه ملی) که میرزا هارطون در سال ۱۲۸۹ ق. آن را ترجمه کرده و شامل اخبار سال ۱۲۸۹ ق. در کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان، روسیه، عثمانی و برخی کشورهای دیگر است.
۲۰. ترجمه کتاب *گرافیک انگلیس و فرانسه* (نسخه خطی شماره ۱۵۵۸/ف، کتابخانه ملی) که میرزا هارطون در سال ۱۲۸۹ ق. ترجمه کرده و حاوی خلاصه روزنامه‌های مصور و غیرمصوری است که در لندن انتشار یافته و اخبار عالم در سال ۱۸۷۳ م. را شامل می‌شود.
۲۱. *اخبار عالم* ترجمه‌ای از میرزا علی، مادروس خان، میرزا زین‌العابدین، میرزا علیقلی است شامل اخباری از روزنامه‌های انگلیس و روسیه و عثمانی و فرانسه و ایتالیا و سوئیس.
۲۲. *اخبار روزنامه وبا و روزنامه‌های دیگر* (نسخه خطی شماره ۱۸۲۴/ف، کتابخانه ملی) به ترجمه علیقلی که در سال ۱۸۷۴ م. آن را ترجمه کرده و موضوعش حوادث مربوط به سال ۱۸۷۴ م. اروپاست از روزنامه‌های مختلف اروپا.
۲۳. *اخبار روزنامه‌های اروپا* (نسخه خطی شماره ۱۷۶۵/ف، کتابخانه ملی) شامل اخبار روزنامه‌های ژنو و گرافیک که علیقلی خان و علی بن رضا ترجمه کرده‌اند.
۲۴. *یزمتی* (نسخه خطی شماره ۱۵۹۱/ف، کتابخانه ملی) با ترجمه محمدحسن که در سال ۱۲۹۳ ق. آن را ترجمه کرده است. کتاب در مورد ناحیه یزمتی در کالیفرنیا است.
۲۵. ترجمه *روزنامه ینگه دنیا* (نسخه خطی شماره ۱۶۵۹/ف، کتابخانه ملی) ترجمه علی که

حاوی اطلاعاتی در مورد اختراعات آن روزهاست.

۲۶. *اخبار جهان* (نسخه خطی شماره ۱۸۴۳/۶ ف، کتابخانه ملی) که شامل اخباری از روزنامه‌های مختلف جهان است.

۲۷. *فهرست کشتی‌های جنگی دولت انگلیس* (نسخه خطی شماره ۱۸۵۹ ف، کتابخانه ملی) از مسیو میچل که اسماعیل ولد صحاف‌باشی در سال ۱۲۹۷ ق. ترجمه کرده است.

۲۸. *سفرنامه استانبولی به افریقا* (نسخه خطی شماره ۱۷۰۹ ف، کتابخانه ملی) که شرح یک قیام مردمی در سودان با ترجمه آوانس خان است.

۲۹. *حکومت انگلیس در هند* (جلد اول) (نسخه خطی شماره ۱۶۷۳ ف، کتابخانه ملی)، کتابی است از بارون یارشو دوپان که علی بن رضای نامه‌نگار در سال ۱۲۹۶ ق. آن را ترجمه کرده است.

۳۰. *اخبار روزنامه‌های خارجی* که باقر بن میرزا رضای مستوفی در سال ۱۳۰۱ ق. آن را ترجمه کرده است.

۳۱. *سرگذشت گراپل* (نسخه خطی شماره ۱۷۴۸ ف، کتابخانه ملی) که نویسنده‌اش یک زن پولدار انگلیسی بوده که از خاطرات خود با بزرگان کشور می‌نویسد. منوچهر بن عمادالدوله آن را در سال ۱۳۱۰ ق. ترجمه کرد.

۳۲. *کشف الاسرار و خسف الاشرار* (جلد اول) (نسخه خطی شماره ۱۶۳۸ ف، کتابخانه ملی) از رنلدز انگلیسی است که سید حسین شیرازی در سال ۱۳۱۱ ق. آن را ترجمه کرد.

۳۳. *ترجمه چند شماره روزنامه تیمز و چند نامه* (نسخه خطی شماره ۱۵۹۰ ف، کتابخانه ملی) که علی اکبر حسینی در سال ۱۳۲۲ ق. آن را ترجمه کرده است.

۳۴. *شرح حال ناپلئون* (جلد اول) (نسخه خطی شماره ۱۶۳۹ ف، کتابخانه ملی) که به دلیل افتادگی صفحات، نام مؤلف و مترجم کتاب معلوم نیست.

۳۵. *ترجمه مسافرت ادوارد ولیعهد انگلیسی*، به هند (نسخه خطی شماره ۱۵۵۷ ف، کتابخانه ملی): این نسخه شامل سفر شاهزاده ادوارد به دریای هندوستان و کشور هندوستان است.

ارزیابی زبان‌های انگلیسی و فرانسه به عنوان زبان‌های مبدأ در ترجمه

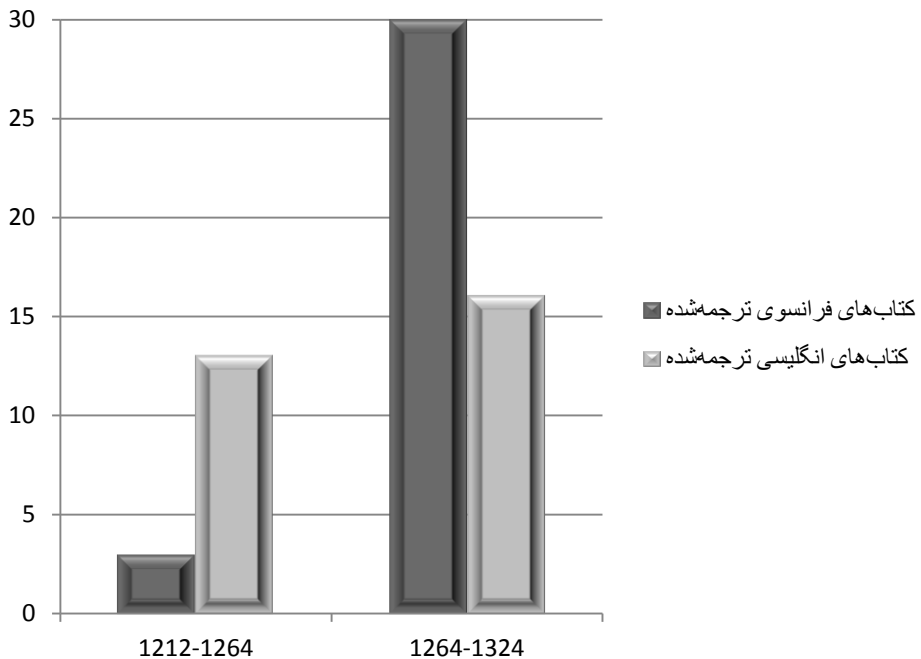
در فرایند ترجمه در دوره قاجار، گذشته از زبان عربی، در میان زبان‌های مبدأ (ترکی عثمانی، آلمانی، روسی، هندی) دو زبان فرانسه و انگلیسی، از مهم‌ترین زبان‌هایی بودند که به علل پیش‌گفته، به عنوان زبان مبدأ برای ترجمه، مورد توجه قرار گرفتند. زبان فرانسه به عللی که ذکر می‌شود، بعد از فتحعلی شاه، گوی سبقت را از انگلیسی ربود و برتری را تقریباً تا بعد از جنگ جهانی دوم حفظ کرد.

این ارزیابی براساس دو شاخص تعداد کتاب‌های ترجمه‌شده و تعداد مترجمان دارالتّرجمه ناصری - به مثابه مهم‌ترین تشکیلات اداری ترجمه در ایران دوره قاجار - صورت گرفته است. دوره ارزیابی به دو دوره - از آغاز قاجاریه تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه (از ۱۲۱۲ تا ۱۲۶۴ ق.) یعنی دوره آقا محمدخان، فتحعلی شاه و فرزندش عباس میرزا و سپس محمد شاه قاجار، و از آغاز حکومت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت مظفرالدین شاه (از ۱۲۶۴ تا ۱۳۴۴ ق.) - تقسیم شده است. جامعه آماری در این بررسی، مجموعه ترجمه‌های چاپ‌شده و چاپ‌نشده از زبان‌های فرانسوی و انگلیسی مندرج در منابع زیر است:

۱. فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ایران از سید عبدالله انوار؛

۲. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از خانباها مشار.

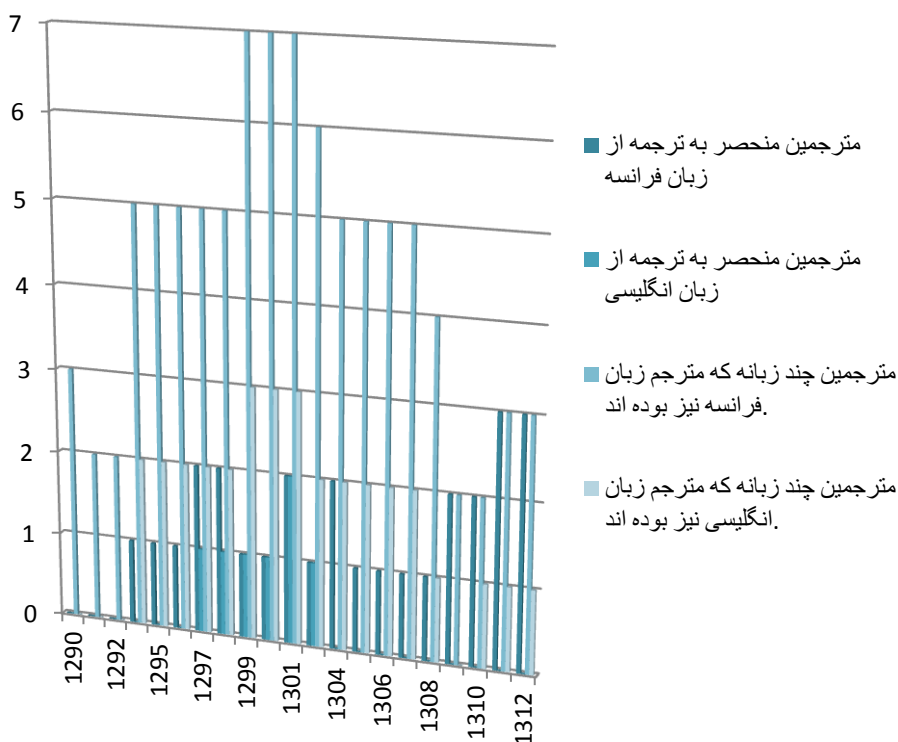
به استناد ترجمه‌های شناسایی شده (جدول شماره یک پیوست)، تعداد کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان فرانسه به فارسی، در دوره اول، سه عنوان بوده و در دوره دوم دست‌کم به سی عنوان (نهمصد درصد رشد) افزایش یافته است؛ در حالی که تعداد ترجمه‌ها از زبان انگلیسی به فارسی، در دوره اول، دست‌کم سیزده عنوان بوده و در دوره دوم به حدود شانزده عنوان (۲۳ درصد رشد) افزایش یافته است (نمودار شماره یک پیوست).



نمودار شماره ۱: مقایسه کتاب‌های ترجمه‌شده از انگلیسی و فرانسه به فارسی در سال‌های ۱۲۱۲ تا ۱۳۲۴ قمری

تعداد مترجمان دارالتّرجمه ناصری به عنوان مبنای ارزیابی دوم نیز نشان می‌دهد که توجه به ترجمه از زبان انگلیسی در دوره حکومت ناصرالدّین شاه بسیار کاهش یافته است، که گزارش‌های مندرج در سالنامه‌های دولت ناصری از ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۲ ق. مؤید این موضوع است (قاسمی، ۱۳۸۵: صفحات مختلف). در این سال‌ها، تعداد زیادی مترجم یک‌زبانه و یا چندزبانه، به منظور ترجمه از زبان‌های عربی، فرانسوی، انگلیسی، ترکی عثمانی، آلمانی، روسی، هندی به تناوب با دارالتّرجمه همکاری داشته‌اند. با این حال، در این سال‌ها فقط دو مترجم یک‌زبانه (که فقط از زبان انگلیسی ترجمه می‌کرده‌اند) فعالیت داشته‌اند. دوره فعالیت این دو تن هم حداکثر شش سال بوده است. مترجمان چندزبانه‌ای هم که توانایی ترجمه از زبان انگلیسی را داشته‌اند، پنج تن بوده‌اند، درحالی‌که این تعداد برای زبان فرانسه، به ترتیب هفت و یازده و در دوره فعالیت طولانی‌تری بوده است.

فراز و فرودهای تعداد مترجمان انگلیسی در دارالتّرجمه بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۲ ق.، در نمودار شماره دو نشان داده شده است.



نمودار دو: تعداد مترجمان زبان انگلیسی در مقایسه با زبان فرانسوی در سال ۱۲۹۲-۱۳۱۲ در دارالتّرجمه ناصری

از علل مهمّ پیشی گرفتن زبان فرانسه از انگلیسی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. جایگاه زبان فرانسه در ایران و در سطح بین‌المللی، معاصر با دوره قاجاریه. در کتاب *المآثر والآثار*، عمومیت یافتن زبان فرانسه در ایران مصادف با تأسیس دارالفنون ذکر شده است؛ چراکه معلّمان اتریشی و ایتالیایی، زبان فرانسه می‌دانستند و هفت یا هشت نفر از ایرانیان با زبان فرانسه آشنا بودند و می‌توانستند به عنوان مترجم، نیازهای دارالفنون را برآورده کنند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۹۷/۱). از طرفی، زبان فرانسه در

دارالفنون زیر نظر مسیو ریشار تدریس می‌شد (فوریه، ۱۳۲۵: ۱۲۹).

به سال ۱۲۸۹ ق. در زمان حاج میرزا حسین خان سپهسالار، با تأسیس مدارس مشیریه، زبان فرانسه بیش از پیش همه‌گیر شد و با بازگشت دانشجویان اعزامی به فرانسه، این زبان در خانواده‌های اعیان، رواج خاصی یافت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۹۷/۱). همچنین در این دوره، زبان فرانسه به عنوان زبان علم و ادبیات در بین زبان‌های خارجی، شکل بین‌المللی به خود گرفته بود. ایرانی‌ها، فرانسویان را وارثان بی‌چون و چرای اندیشه عصر روشنگری و انقلاب کبیر می‌دانستند (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۷). جدا بودن فرانسه از جریانات سیاسی، گرایش به سمت فرهنگ و ادبیات فرانسه را در ایران بیش از پیش، رونق و سرعت بخشید و تقریباً زبان فرانسه به مدت صد سال زبان رسمی تحصیلات و مطالعات خارجی در مدارس ایران بود (همان).

۲. اقدامات استعماری انگلستان و روسیه در ایران و وجود برخی نارضایتی‌ها از انگلستان در دربار و پرهیز برخی دولتمردان اصلاح‌گر - مانند میرزا حسین خان سپهسالار و امیرکبیر - از ارتباط با دولت استعماری انگلستان. اقدامات استعماری انگلستان و روسیه در ایران، عامل مهمی در گرایش نداشتن به سوی فراگیری زبان‌های انگلیسی و روسی در این دوره بود. در دربار ایران نیز به دلیل منافع شخصی، دودستگی آشکاری بین طرفداران روسیه و انگلستان شکل گرفته بود که گاهی اکثریت با دوستداران روسیه و گاهی برعکس بود. به همین علت، هر گاه قرار بر عقد قرارداد یا برقراری ارتباط نزدیک‌تری با هر کدام از این کشورها می‌شد، گروه دیگر، کارشکنی می‌کرد، درحالی‌که در مورد فرانسه چنین واکنشی - دست‌کم از طرف دربار - اعمال نمی‌شد و کارها ساده‌تر پیش می‌رفت. ایرانی‌ها به غلط یا درست، فرانسویان را در سیاست استعماری روس و انگلیس در ایران سهیم نمی‌دانستند (همان: ۱۷).

این بیزاری در میان مردم هم وجود داشت. ساختار مذهبی جامعه ایران، سدی در مقابل نفوذ و محبوبیت خارجی‌ان بود که البته فرانسویان هم از این قاعده مستثنی نبودند، اما عملکرد فرانسوی‌ها و بی‌طرفی سیاسی آنان، این ذهنیت را در مقایسه با دیگر کشورها کم‌رنگ‌تر کرده بود، به گونه‌ای که اقدامات فرهنگی‌شان در ایران بیشتر از کشورهای دیگر پیش می‌رفت.

۳. اعزام دانشجویان ایرانی به فرانسه. بعد از اعزام دو گروه از دانشجویان ایرانی به لندن، در دوره‌های بعد، دانشجویان به فرانسه اعزام شدند. این کار از زمان محمد شاه آغاز و تا پایان قاجاریه ادامه پیدا کرد. کم‌کم فرانسه، زبان رسمی خارجی در ایران شد، به طوری که یکی از شرایط استخدام در مشاغل دولتی، آشنایی با زبان فرانسه بود (ناطق، ۱۳۸۰: ۵۶). به همین سبب تعداد مترجمان فرانسه در ایران رو به فزونی نهاد و کتاب‌های زیادی از زبان فرانسه ترجمه شد.

۴. تمایل برخی دولتمردان مانند محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و در رأس آن ناصرالدین شاه به زبان فرانسه.

۵. ایجاد دارالترجمه ناصری با مسؤلیت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه و محمدحسین فروغی.

نتیجه

ترجمه‌هایی که اکنون به صورت نسخه‌های خطی و یا آثار چاپ شده از زبان‌های اروپایی از دوره قاجاریه به جای مانده است، بخش ارزشمندی از پیشینه ادبی ما محسوب می‌شود. علت توجه به ترجمه متون به زبان فارسی، نیاز برخی دانشمندان ایرانی برای توسعه و پیشرفت جامعه بود.

در دوره فتحعلی شاه، هنگامی که فرانسوی‌ها باب مذاکره با ایران را باز کردند و یکی از مصادیق این ارتباط اعزام دانشجو به فرانسه شد، حس رقابت انگلیسی‌ها تحریک شد و پیشنهاد مشابهی به دولت ایران برای پذیرش دانشجویان ایرانی دادند، تا حتی با مخارج انگلستان در آن کشور تحصیل کنند. از طرف دیگر، در دستگاه عباس میرزا چند تن انگلیسی استخدام شده بودند تا در عرصه‌های نظامی، ایرانیان را آموزش دهند. همین دو اقدام ظاهراً ساده کافی بود تا ترجمه انگلیسی در دوره قاجار شکل بگیرد. دو دسته نخست از دانشجویان اعزامی به اروپا، به انگلستان رفتند تا در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه، شکل غالب ترجمه از انگلیسی به فارسی باشد و فرانسه در رتبه دوم قرار گیرد. این روند تا دوره ناصرالدین شاه ادامه پیدا کرد تا اینکه در این دوره ترجمه شتاب بیشتری گرفت.

تا قبل از حکومت ناصرالدین شاه، اعزام دانشجویان به اروپا، و در زمان او، احداث دارالفنون و دارالتّرجمه ناصری، دو قطب دیگر این مثلث بودند، تا ترجمه رشد کند و به اوج خود نیز برسد و سومین دوره شکوفایی ترجمه در تاریخ ایران شکل بگیرد. دوره‌ای که ترجمه امروزی ما دنباله آن است.

اما امروزه نیز مانند اوایل دوره قاجار، شکل غالب ترجمه‌ها از زبان‌های اروپایی و به‌خصوص زبان انگلیسی است. دیگر، نویسندگان غیرانگلیسی هم به این زبان می‌نویسند و نه فقط در ترجمه فارسی، که در فرایند ترجمه در دنیای ادبیات، زبان انگلیسی جایگاه خلل‌ناپذیری به دست آورده است؛ بنابراین می‌توان گفت ترجمه امروزی ما ادامه راهی است که با عباس میرزا آغاز شد، در دارالتّرجمه و دارالفنون به بلوغ و اوج خود رسید و تا امروز هم ادامه داشته و به نظر می‌رسد به صورت علمی‌تر و تخصصی‌تر در همین مسیر نیز حرکت کند.

همان‌گونه که ذکر شد، در گذشته ترجمه در ایران، زبان مبدأ بیشتر انگلیسی و فرانسه بوده که سهم فرانسه در دوران قاجار و حتی مدتی بعد از آن بیشتر بوده است. عواملی سیاسی و فرهنگی و همچنین جایگاه بین‌المللی زبان فرانسه، بعد از فتحعلی شاه در این سبقت بسیار مؤثر بوده است. به طور دقیق‌تر، دو عامل داخلی و خارجی در این انتخاب - شاید هم به اجبار - تأثیرگذار بوده‌اند. از نگاه داخلی، نگاه نه‌چندان مساعد برخی مسئولان ایرانی به انگلیسی‌ها و نظر مساعد گروهی از درباریان - از جمله ناصرالدین شاه - به زبان فرانسه بوده است. پیشرو بودن فرهنگ و ادب فرانسویان در مقایسه با سایر دولت‌های اروپایی و برجسته شدن زبان فرانسه به عنوان زبان علم و هنر، از مهم‌ترین عوامل خارجی این امر محسوب می‌شود.

در نتیجه بیشتر ترجمه‌ها از زبان فرانسه به فارسی بود. حتی در بنگاه‌های علمی آن دوره - مانند مدرسه دارالفنون - زبان خارجی اصلی، زبان فرانسه اعلام شد و دانشجویان اعزامی به اروپا، عازم فرانسه شدند. غیر از این هم نباید انتظار داشت که زبان فرانسه از انگلیسی پیشی بگیرد. برتری زبان فرانسوی بر انگلیسی از نظر ترجمه فارسی به عنوان زبان مبدأ، تا سال‌های بعد ادامه پیدا کرد و این برتری تا پس از جنگ جهانی دوم حفظ شد.

با بررسی عوامل مؤثر در فرایند ترجمه در دوره قاجار، می‌بینیم که آغاز جنبش فرهنگی مردم ایران و شکل‌گیری این فرایند، فقط ناشی از بلوغ فکری و رشد اندیشه در ایران نبوده و نمی‌توان از آن صرفاً به عنوان حادثه‌ای درون فرهنگی نام برد، بلکه عواملی از بیرون در شکل‌گیری آن نقش داشته و این حرکت را آغاز کرده‌اند.

پیوست‌ها

کتاب‌های ترجمه‌شده از انگلیسی و فرانسه در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.)		کتاب‌های ترجمه‌شده از انگلیسی و فرانسه در دوره فتحعلی‌شاه و محمد شاه (۱۲۱۲-۱۲۶۴ ق.)	
ترجمه از زبان انگلیسی	ترجمه از زبان فرانسوی ^(۱۷)	ترجمه از زبان انگلیسی	ترجمه از زبان فرانسوی
۱. کتاب چین	۱. تاریخ سنت هلن ۱۲۸۷ق.	۱. تاریخ اسکندر	۱. بیانیه
۲. تشریح البشر و توضیح الصور	۲. رساله ۱۲۷۹ ق.	۲. مختصری از قواعد	کنوانسیون ملی
۳. تاریخ ایران مالکم	۳. امراض عصبانی ۱۲۷۹ق.	کاپرنیکس	خطاب به ملت
۴. سفرنامه دکتر اوایلس	۴. سه تفنگدار ۱۳۱۶ ق.	۳. شرح نیوتان	فرانسسه در
۵. کتاب گرافیک	۵. شوالیه دارمانتال ۱۳۱۴ ق.	۴. کتاب نظامی گیبرت	۱۲۱۷ق.
۶. کتاب گرافیک	۶. کنت دومونت کریستو ۱۳۱۲ ق.	۵. آیین‌های مانور پیاده‌نظام	۲. تاریخ پطر
۷. کتاب گرافیک	۷. لارن مارگو ۱۳۲۳ ق.	۶. تعلیم در اعمال آبله زدن	کبیر
۸. کتاب گرافیک انگلیس و فرانسه	۸. سفر هشتاد روزه دور دنیا ۱۳۱۷ ق.	۷. تاریخ تنزل و خرابی روم	۳. شارل
۹. بزمی	۹. تاریخ اسکندر ۱۳۱۳ ق.	۸. تاریخ پتر کبیر	دوازدهم
۱۰. فهرست کشتی‌های جنگی دولت انگلیس	۱۰. سفینه غواصه ۱۳۲۰ ق.	۹. شارل دوازدهم	
۱۱. سفرنامه استانبلی به افریقا	۱۱. عشق و عفت ۱۳۲۴ ق.	۱۰. تاریخ روم	
۱۲. حکومت انگلیس در هند	۱۲. تمثیل تئاتر ۱۳۲۳ ق.	۱۱. تاریخ چین	
۱۳. سرگذشت گراپول	۱۳. ژیل بلاس ۱۳۲۳ ق.	۱۲. تاریخ ناپلئون اول	
۱۴. کشف الاسرار و خسف الاشرار	۱۴. سیاحت‌نامه ترکستان	۱۳. صواعق النظام	
۱۵. شرح حال ناپلئون اول	۱۵. لونی چهاردهم ۱۳۲۲ ق.		
۱۶. مسافرت ادوارد، ولیعهد انگلیسی	۱۶. مارگریت ۱۳۲۲ ق.		
	۱۷. عشق پاریس ۱۳۲۲ ق.		
	۱۸. مکانه‌الرجال ۱۳۲۳ ق.		
	۱۹. آتش گرفتن تماشاخانه وین		
	۲۰. رساله آزاد		
	۲۱. اصطلاحات فرانسه		
	۲۲. تاریخ فردریک گیوم		
	۲۳. تاریخ کامبج		
	۲۴. تاریخ مختصر ناپلئون		
	۲۵. تاریخ مفصل فرانسه		
	۲۶. تاریخ ناپلئون بناپارت		
	۲۷. حکمت ناصریه		
	۲۸. حکومت انگلیس در هند		

پی‌نوشت‌ها

۱. کیان‌فر، جمشید (۱۳۶۸)، «ترجمه در عهد قاجار از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه»، مجله نشر دانش، سال دهم، ش ۱.
۲. فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «هضت ترجمه در عهد قاجاریه»، نگین، ۳۱ مرداد.
۳. البته بدین معنا نیست که تا قبل از بازگشت دانشجویان از فرنگ، ترجمه‌های در ایران صورت نگرفته باشد، بلکه منظور نخستین سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده در این زمینه است.
۴. از مهم‌ترین ترجمه‌های او می‌توان به کتاب‌های *تاریخ تنزل و خرابی روم و تاریخ پطر کبیر* اشاره کرد.
۵. *تاریخ فتوحات یا روزنامه ناپلئون* از نام‌های دیگر این کتاب هستند. این کتاب درباره وقایع جنگ ناپلئون با اتریش و روسیه است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه ملی ایران وجود دارد.

6. James Camle.

۷. این جمله روی نسخه چاپ سنگی این اثر به شماره ۲۱۷ در کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.
۸. ترجمه دیگری از دو کتاب *شارل دوازدهم و پطر کبیر* از فرانسه با ترجمه موسی جبرئیل موجود است. نسخه‌ای از این ترجمه در کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

9. Guibert.

۱۰. این اطلاعات از مجموعه سه جلدی چکیده و متن کامل سالنامه‌های ایران از فرید قاسمی جمع‌آوری شده است.
۱۱. دو سال - یعنی سال‌های ۱۲۹۳ و ۱۳۰۲ ق. - سالنامه ندارد.
۱۲. در قسمت قبلی، به اسناد و ارجاع برخی از این کتاب‌ها اشاره شده است که از تکرار مجدد آنها خودداری می‌شود. اصلی‌ترین منبع ما در جمع‌آوری نسخ خطی، جلد چهارم کتاب فهرست نسخ خطی از سید عبدالله انوار بوده است.
۱۳. در قسمت قبل، به مترجم و موضوع آن اشاره شده است.
۱۴. علاوه بر این دو نسخه، یک نسخه خطی هم با عنوان شرح حال اسکندر و ناپلئون اول در کتابخانه ملی وجود دارد. در این کتاب، شرح حال اسکندر مقدونی با ترجمه جیمس (جیمز) کمل مربوط به زمان عباس میرزا و شرح حال ناپلئون با ترجمه محمدرضا تبریزی در زمان محمد شاه، گردآوری شده است. شرح حال اسکندر، همان کتاب پیشین *تاریخ اسکندر* است و قسمت ناپلئون اول نیز ترجمه همین کتاب اخیر است (نسخه خطی شماره ۱۶۸۰/ف، کتابخانه ملی).
۱۵. کتاب‌هایی از این دست - که پیش از ترجمه شدن به فارسی، مسیری دوزبانه را پیموده‌اند - به

دلیل آنکه یا زبان اصلی آنها انگلیسی بوده و یا بعد از ترجمه به انگلیسی، به فارسی ترجمه شده‌اند، در این فهرست ذکر شده است.

۱۶. جلد اول از روسی به انگلیسی و سپس از روسی به فارسی ترجمه شد.

۱۷. تعداد ترجمه‌ها از زبان فرانسه بیشتر از این تعداد بوده است. با توجه به آنکه همین تعداد نیز گویای پیشی گرفتن ترجمه از زبان فرانسه بر ترجمه از زبان انگلیسی بوده، لحاظ نشده است.

۱۸. در این جدول، روزنامه‌ها به سبب آنکه غالباً از چند زبان ترجمه شده‌اند، وارد نشده است.

منابع

آبراهمیان، پروانده (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چ ۱۳، تهران، نی.

آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *امیرکبیر و ایران*، چ ۹، تهران، خوارزمی.

ولتر، فرانسوا، اسکندر، شارل دوازدهم، *تاریخ پتر کبیر*، ترجمه جیمز کمل، نسخه چاپ سنگی شماره ۲۱۷، کتابخانه مؤسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳)، *المآثر والآثار*، تهران، اساطیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، چ ۲، تهران، روزبهان.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۴)، «کتاب چین»، *مجله یادگار*، سن ۲، ش ۲.

انوار، عبدالله (۱۳۸۴)، *فهرست کتب خطی کتابخانه ملی ایران*، چ ۴، تهران، مرکز.

دروویل، گارسیا (۱۳۸۷)، *سفرنامه*، ترجمه جواد محیی، تهران، گوتنبرگ.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۸۷)، *حیات یحیی*، تهران، فردوس و گسترش فرهنگ.

دیولافوا، ژان (۱۳۸۷)، *سفرنامه دیولافوا*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، چ ۲، تهران، ختام.

فووریه، ژرار (۱۳۲۵)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتب ایران.

فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «*بهضت ترجمه در عهد قاجاریه*»، نگین، ۳۱ مرداد.

قاسمی، فرید (۱۳۸۵)، *چکیده و متن کامل سالنامه‌های ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

ناتانیل کرزن، جورج (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.

کیان‌فر، جمشید (۱۳۶۸)، «*ترجمه در عهد قاجار از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه*»، *مجله نشر دانش*،

س ۱۰، ش ۱.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۸۷)، *تاریخ مؤسسات جدید در ایران*، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران.

- مشار، خانبابا (۱۳۵۰)، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران، ارژنگ.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱)، مصحح غلامحسین صدری افشار، چ ۲، تهران، ابن سینا.
- مالکم، جان (۱۳۸۰)، تاریخ کامل ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، افسون.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۲)، «ولین کاروان معرفت»، مجله یغما، س ۶، ش ۵.
- ناطق، هما (۱۳۸۰)، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران، نظر.
- نوابی، داوود (۱۳۶۳)، تاریخچه ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تا کنون، تهران، کاویان.
- واتسن، سر رابرت (۱۳۴۰)، تاریخ ایران، ترجمه علی وحید مازندرانی، تهران، سخن.

Archive of SID